

چرخه‌ی راهبردی و الزامات سیستم دفاعی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۱۹
فرهاد قاسمی^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۲۶
الهام نگهدار^۲
صفحات مقاله: ۳۶ - ۹

چکیده:

اصولاً چرخه‌ی راهبردی یکی از مهم‌ترین متغیرهای شکل‌دهنده به سیستم دفاعی کشورها است. این چرخه با ویژگی‌های خاص خود عملاً نوع سیستم دفاع راهبردی کشورها را تعیین می‌نماید. در این میان، قدرت‌ها و واحدهایی که در درون چنین سیستمی قرار گرفته‌اند و از ویژگی خاصی مانند ویژگی ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک برخوردار می‌باشند، به صورت مشخص تحت تأثیر چنین چرخه‌ای خواهند بود. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های مهم منطقه‌ای و به‌دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک از این ناحیه با تهدیدات راهبردی مختلفی روبرو می‌باشد و به‌دلیل حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مداخله‌گر در سیستم‌های تابعه‌ی آن مجبور به طراحی نظام‌های مدیریتی خاصی است. بنابراین، این پژوهش بر محوریت این پرسش اساسی شکل می‌گیرد که تأثیر چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران بر نوع سیستم دفاع راهبردی آن چگونه است؟ این پژوهش در پاسخ به پرسش اصلی بر این باور است که این چرخه‌ی راهبردی، سیستم دفاع راهبردی بومی شبکه‌ای را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل خواهد کرد. این مقاله ضمن بررسی چرخه‌ی راهبردی شبکه‌ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، مدل سیستم دفاع راهبردی بومی شبکه‌ای را ارائه می‌نماید.

* * * * *

واژگان کلیدی

چرخه‌ی راهبردی، محیط راهبردی، سیستم دفاع راهبردی - دفاع شبکه‌ای.

۱ - دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.

۲ - کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود در معرض تهدیدهای فراوانی از زمان گذشته تا به امروز قرار گرفته است و همیشه با معمای امنیت روبرو بوده است. در بخشی از دوران با فروپاشی امپراتوری خود روبرو شد و استقلال خود را در برابر اعراب از دست داد. در دوره‌ی دیگر، در معرض سلطه‌ی مغولان و تاتاران (۱۲۵۸-۱۵۰۲) قرار گرفت و در دوران امپراتوری عثمانی نیز ایران با توجه به ضعف داخلی به جولان‌گاهی برای این امپراتوری تبدیل شد و در دوره‌ی دیگر، پرتغالی‌ها که در جستجوی سرزمین جدیدی بودند، به خلیج فارس و جزایر ایرانی سرازیر شدند و یا در قرن ۱۹ و ۲۰، روسیه یکی از تهدیدهای علیه ایران بود و قراردادهای متعددی را بر ایران تحمیل کرد و در حال حاضر، آمریکا و اسرائیل به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدات علیه ایران محسوب می‌شوند. (مهدوی، ۱۳۸۶) در این میان، مهم‌ترین تهدید راهبردی از ناحیه‌ی قدرت‌های خارجی و رقابت‌های راهبردی آنها ناشی می‌شده است و در زمان ضعف ایران، جولانگاه قدرت برای چنین قدرت‌هایی محسوب شده است، به همین سبب تغییر چرخه‌ی راهبردی در سطح جهانی بلافاصله بر چرخه‌ی راهبردی ملی ایران اثرگذار بوده است. تغییر رقابت قدرت‌های بزرگ تأثیر مستقیمی بر بقای آن داشته است و به همین دلیل، در طول تاریخ همواره بقای ایران در رقابت قدرت‌های بزرگ تعریف می‌شده است. مهم‌ترین نقطه‌ی هدف این کشور تمرکز بر گستره‌ی خود و قدرت‌های بزرگ بود، به‌گونه‌ای که این موضوع به‌عنوان اصل اساسی در سیاست خارجی آن تعریف شده است. در همین راستا، ابزارهای راهبردی آن در دوره‌های قبل از انقلاب اسلامی از ضعف اساسی برخوردار بوده و در تمامی ادوار، این ضعف تا حدود زیادی نقش وابسته و تبعی را ایفا کرده است، اما با پیروزی انقلاب اسلامی واقعیت‌های نوینی وارد چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران شد و تحولات اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که منجر به اتخاذ سیاست نه شرقی نه غربی نسبت به سیاست دوره‌های قبل گردید. به همین سبب، محیط راهبردی و به‌دنبال آن چرخه‌ی راهبردی ایران تغییر یافت و در راستای تحول در محیط داخلی و محیط سیستمی آن، تهدیدات

سیستمی و منطقه‌ای علیه این کشور شکل گرفت، و با توجه به تغییراتی که در نقطه‌ی شروع این چرخه (تهدیدات و محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران) رخ داد، در اهداف آن نیز تغییراتی ایجاد و این کشور به سمت اهداف و منافع حیاتی خود از جمله ایفای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی و مقابله با قدرت‌های بزرگ حرکت نمود و نسبت به تهدیدات محیط امنیتی واکنش نشان داده و به برنامه‌ریزی دفاعی برای مقابله با آن پرداخت. به عبارتی برنامه‌ریزی راهبردی و طراحی سیستم‌های دفاع راهبردی به‌عنوان یکی از الزامات حوزه‌ی خارجی آن مطرح گردید. سیستم‌های دفاع راهبردی مستلزم شرایط و پارامترهایی هستند که هر کدام از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را به نوع خاصی از آن هدایت می‌نمایند. این سیستم تحت تاثیر مستقیم چرخه‌ی راهبردی کشورها می‌باشد. از این‌رو، سه سؤال اساسی مقاله شکل می‌گیرند که عبارتند از «چه پیوندی بین چرخه‌ی راهبردی کشورها با سیستم دفاع راهبردی آنها وجود دارد؛ در این میان، ویژگی‌های چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر سیستم دفاع راهبردی آن دارد؟ مدل حاصله از پیوند بین چرخه‌ی راهبردی و سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران چگونه ترسیم می‌شود؟»

در پاسخ به این پرسش‌ها و بر مبنای هدف‌های پژوهش این فرضیه مطرح می‌شود که «عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده‌ی چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران، سیستم‌های دفاع راهبردی بومی شبکه‌ای را به‌عنوان مهم‌ترین سیستم دفاعی مطرح می‌سازند.»

در پاسخ به پرسش‌های یادشده، چند گروه از ادبیات را در حوزه‌ی روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای می‌توان شاهد بود. گروه اول حوزه‌ی نظری مربوط به ادبیاتی که سعی در تجزیه و تحلیل برخی از اجزای چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران را دارند. (مهدوی، ۱۳۸۶، ازغندی، ۱۳۸۰، دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، سریع‌القلم، ۱۳۷۹، سیف‌زاده، ۱۳۸۴، متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، سیف‌زاده، ۱۳۹۰، قاسمی ۱۳۸۶)

در گروه دوم، برخی از ادبیات در حوزه‌ی بازدارندگی و سیاست‌های دفاعی ایران شکل گرفته‌اند که عمدتاً به مباحث نظری و کاربردی بازدارندگی پرداخته‌اند. (ازغندی، ۱۳۷۰،

عسگرخانی، ۱۳۷۷، قاسمی، ۱۳۹۰، قاسمی، ۱۳۸۸، قاسمی، ۱۳۸۳، قاسمی، ۱۳۹۱، قاسمی، ۱۳۸۶، ساعد، ۱۳۸۵، کریمی، ۱۳۸۴، متقی، ۱۳۸۷، یزدان فام، ۱۳۸۳

در این راستا، یکی از خلأهای عمده‌ای که به‌طور بارز در ادبیات موجود وجود دارد، عدم توجه به تغییر و تحولات چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران و تأثیری که بر سیستم دفاع راهبردی آن دارد، می‌باشد. به این ترتیب، با توجه به این که ایران با تهدیدات خارجی متعددی در طول حیات سیاسی خود روبرو بوده است، بررسی این موضوع ضرورت می‌یابد.

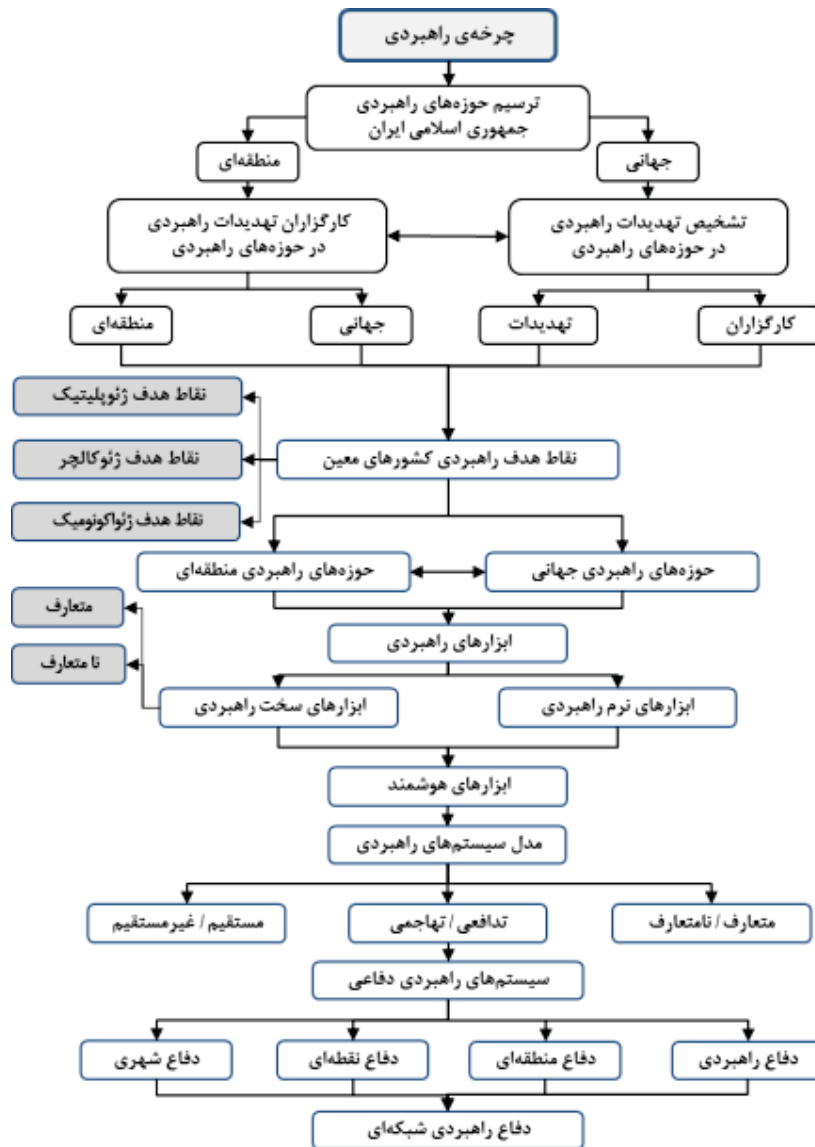
به‌طور کلی، این تحقیق دارای دو هدف نظری و کاربردی می‌باشد: اول از بعد نظری، به دنبال رفع ناکارآمدی در ادبیات نظریه‌های موجود در حوزه‌ی مطالعات راهبردی است که بیش‌تر در برگیرنده‌ی وضعیت‌هایی است که مختص کشورهای بزرگ در حوزه‌ی مطالعات راهبردی می‌باشد. هدف این تحقیق مفهوم‌سازی و تکمیل نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌خصوص در حوزه‌ی کاربرد آنها توسط کشورهای درجه دوم و سوم موجود در چرخه‌ی قدرت جهانی است. دوم از بعد کاربردی، در پی ارائه‌ی مدلی از پیوند بین چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های دفاعی آن می‌باشد که بدین وسیله راهکارهای کارآمد در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه را ارائه خواهد داد.

در این چارچوب و در راستای پاسخ به پرسش اصلی و فرضیه‌ی مطرح شده، در ابتدا به بنیان‌های مفهومی و نظری پژوهش پرداخته می‌شود. هدف اصلی در این قسمت، ترسیم مدل مربوط به پیوند بین چرخه‌ی راهبردی و سیستم دفاع راهبردی می‌باشد. سپس به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی چرخه‌ی راهبردی، اصول دفاع راهبردی و انواع سیستم‌های دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و در نهایت، به مدل حاصله از پیوند بین چرخه‌ی راهبردی و سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود.

مدل نظری و مفهومی پژوهش

اصولاً تمامی واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی سیستم بین‌الملل دارای چرخه‌ی راهبردی مشخصی هستند که این چرخه تا حدود بسیار زیادی برگرفته از ویژگی‌های این سیستم می‌باشد. در این میان، ادبیات موجود در حوزه‌ی رهیافت واقع‌گرایی از روابط بین‌الملل در ترسیم چنین چرخه‌ای یاری‌بخش خواهند بود. هم‌چنین اصول متعددی به‌عنوان اصول منطقی مورد پذیرش خواهد بود که به ترتیب اصل آنارشی، امنیت و بقا، خودیاری، قدرت محوری از آن جمله خواهند بود. بنابراین، از این منظر چرخه‌ی راهبردی کشورها شکل می‌گیرد. این مدل نیز بر بنیان اصول واقع‌گرایانه مذکور شکل می‌گیرد. (Krasner, 1985, kratochvil, 1993, schweller, 1997, Spegele, 1996, Vasquez, 1997, Walker, 1987) مدل راهبردهای کشور و طراحی سیستم‌های دفاع راهبردی مرتبط با آن خواهد بود. بر این اساس، مهم‌ترین عناصر چنین چرخه‌ای عبارتند از:

- قدرت به‌عنوان زیربنای سیستم‌های دفاع راهبردی؛
- محیط راهبردی؛
- تهدیدات راهبردی؛
- منافع راهبردی واحدها؛
- اهداف راهبردی واحدها؛
- نقاط هدف راهبردی؛
- توانایی‌های راهبردی؛ توانایی‌هایی که قدرت یک کشور را شکل می‌دهد و منجر به دستیابی آن به اهداف خود می‌گردد.



شکل ۱: مدل نظری و مفهومی پژوهش

چرخه و سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران

چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران متشکل از اجزای چندی است که بر اساس الگوی نظری مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- محیط راهبردی؛
- منافع ملی؛
- اهداف راهبردی؛
- تهدیدات راهبردی؛
- نقاط هدف راهبردی؛
- توانایی‌های راهبردی.

محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران

محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های خاصی را برای این کشور به همراه خواهد داشت. با شناخت دقیق محیط راهبردی می‌توان مطلوبیت‌های ویژه‌ای را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد.

در این راستا، محیط راهبردی ایران در طول چندین سال گذشته به شدت دستخوش تغییر و تحولات شده و این تغییر و تحولات، فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی را به همراه داشته است که حضور مستقیم آمریکا در منطقه ابعاد این تغییر را به مراتب حساس‌تر نموده است. بررسی این تغییر و تحولات، مقدمه‌ی هر گونه تلاشی در جهت تدوین راهبرد و سیاست دفاعی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بنابراین، محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران از یک سو به اقتضای طبیعت و هویتش (انقلابی - ایدئولوژی) و از سوی دیگر، به علل تاریخی، فرهنگی و قومی، و از جانب سوم، به سبب موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، دارای ویژگی‌های خاصی است که مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده‌ی چنین محیطی عبارتند از:

- خوشه‌ی خلیج فارس شامل کشورهای عربستان، کویت، امارات، قطر، عمان، بحرین که همگی عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند؛
- خوشه‌ی شامات و شمال آفریقای خاورمیانه؛
- خوشه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز؛
- خوشه‌ی جنوب غرب آسیا شامل کشورهای افغانستان، پاکستان، هند؛
- خوشه‌های مداخله‌گر در شبکه‌ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران.

از سوی دیگر، در قالب نگرش شبکه‌ای به محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران سه شبکه تحت عنوان ژئوپلیتیک (قدرت و جغرافیا)، ژئواکونومیک (قدرت و کارکرد اقتصادی و جغرافیا) و ژئوکالچری (مرزبندی‌های هویتی) شکل گرفته است. سیاست بین‌الملل قدرت‌محور در شبکه‌ی ژئوپلیتیک از نوع نظامی، در شبکه‌ی ژئواکونومیک از نوع اقتصادی و در شبکه‌ی ژئوکالچری از نوع هویتی و تمدنی است.

ژئوپلیتیک و محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران

یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر نحوه‌ی ارزیابی راهبردی ایران در تعیین نوع سیستم دفاعی، موقعیت جغرافیایی و شبکه‌ی ارتباطی آن می‌باشد که ابعاد جغرافیایی در معادله‌ی دفاع - تهاجم را شکل می‌دهد. موقعیت گذرگاهی در اهمیت ژئوپلیتیک کشورها نقش به‌سزایی داشته و آن هم حالتی است که یک کشور در کنار تنگه‌های مهم قرار داشته باشد که این تنگه‌ها هم از نظر نظامی و هم از نظر اقتصادی دارای اهمیت فراوان هستند، زیرا می‌توانند در موقعیت‌هایی که بحران ایجاد می‌شود، نقش اساسی ایفا نموده و در زمان صلح نیز نقش اقتصادی مهمی دارند. در این راستا، کشور ایران دارای چندین امتیاز موقعیتی است:

(۱) این کشور متصل به موقعیت بری اوراسیاست؛

(۲) به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛

- ۳) به لحاظ در اختیار داشتن تنگه‌ی راهبردی هرمز دارای موقعیت گذرگاهی است که این تنگه از شاه‌رگ‌های حیاتی اقتصاد جهان است؛
- ۴) ایران پیونددهنده‌ی خوشه‌های مختلف ژئوپلیتیک در عرصه‌ی محیط راهبردی و عملیاتی سیستم بین‌الملل به یکدیگر می‌باشد و به‌عنوان پیونددهنده‌ی ژئوپلیتیک عمل می‌نماید؛
- ۵) ژئوپلیتیک و عرض و طول جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران اصل پراکنده‌سازی و دفاع را ممکن کرده و باعث مزیت‌بخشی آن در این حوزه می‌شود. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۴۵۸-۴۶۰) از سوی دیگر، کشور ایران از لحاظ گسترش در امتداد طول و عرض جغرافیایی، سرزمینی متناسب بوده و گستردگی این کشور در طول و عرض جغرافیایی یکنواخت می‌باشد (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۱)؛
- ۶) وضعیت ایران از بعد جغرافیای طبیعی به‌گونه‌ای است که اشغال کشور را مشکل نموده و سبب تسهیل دفاع در این کشور می‌گردد. ترکیب کوه‌ها، جنگل‌ها و کویرها و شبکه‌ی ارتباطی، نفوذپذیری در این کشور را کاهش داده و از بعد لجستیکی نیز شبکه‌ی ارتباطی ایران امکاناتی در اختیار دشمنان قرار نخواهد داد.
- ۷) حضور پایدار قدرت‌های مداخله‌گر در بخش‌های مختلف حوزه‌ی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران سبب شکل‌گیری رقابت راهبردی این قدرت‌ها و حساسیت ژئوپلیتیک شبکه‌ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌شود؛
- ۸) نامتقارن بودن رقابت قدرت در شبکه‌ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های مداخله‌گر همراه با حساسیت ژئوپلیتیک معادله‌ی دفاع - تهاجم را شکل خاص بخشیده و طراحی آن را در این قالب ضروری می‌نماید؛
- ۹) از یک سو، فشارهای ساختاری منطقه‌ای و از سوی دیگر، اعمال نقش به‌عنوان حلقه‌ی ارتباطی نقاط مختلف، بعد دفاعی راهبرد ایران را از طریق افزایش توان شبکه‌سازی تقویت می‌کند.

ژئواکونومیک و محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران

در حال حاضر، در حوزه‌ی ژئواکونومیک، ایران دارای مزیت‌های خاصی است، از جمله:

- اقدام در قالب سازمان صادرکننده‌ی نفت؛
- همسایگی جغرافیایی با کشورهای نیازمند گاز جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک منبع راهبردی و اعمال نقش در توزیع آن و ترسیم خطوط ارتباطی از جمله خط لوله‌ی انتقال گاز به هند و پاکستان؛
- ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده‌ی گاز و ادغام‌گرایی اقتصادی؛
- برقراری پیوند ژئواکونومیکی بین حوزه‌ی خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز، حوزه‌ی شانگهای و جنوب غربی آسیا از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی؛ حوزه‌های پارس جنوبی ایران که بیش‌ترین ذخایر گازی جهان را در خود جای داده است. چین و هند بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌ی نفت و گاز جهان به‌شمار می‌آیند. در این راستا، محور جدید در حوزه‌ی ژئواکونومیکی تحت عنوان ایران، پاکستان، هند و چین و روسیه در حال ظهور است که امنیت نفت و گاز را به‌عنوان یکی از محورهای ژئواکونومیکی به شبکه‌ی ژئوکالچری پیوند می‌دهند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران از طریق پیوندهای ژئواکونومیک با سایر مناطق می‌تواند وارد سیستم شبکه‌ای ارتباطی شود و از طریق جمعی نمودن منافع، به‌عنوان توان دفاع راهبردی استفاده نماید.

ژئوکالچر و محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌ی ژئوکالچری خود را در قالب تمدن اسلامی تعریف می‌نماید که ایران به‌عنوان بخشی از شبکه‌ی ژئوکالچری اسلام درگیر تعارضات احتمالی تمدنی خواهد شد، به‌ویژه تأکید بر ارزش‌های دینی - اسلامی در امر حکومت و آمیختن سیاست خارجی خود با چنین ارزش‌هایی، تعارضات آن عیان‌تر خواهد شد. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۸) از جمله متغیرهایی که جمهوری اسلامی ایران از طریق آن می‌تواند با سایر مناطق جهان پیوند ایجاد کند، متغیرهای ژئوکالچر است که از شاخص‌های هر کشوری زبان و دین آنهاست،

از جمله مهم‌ترین مناطقی که ایران با آن دارای اشتراکات فرهنگی زیادی می‌باشد، منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز است که با پیوندهای فرهنگی با این منطقه می‌تواند منافع زیادی را به‌دست آورد و مناطق دیگری که می‌توان با آن پیوند فرهنگی برقرار نمود، منطقه آسیای جنوب غربی به‌ویژه هند می‌باشد.

منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

منافع ملی یکی از مهم‌ترین و شاید نقطه‌ی شروع چرخه‌ی راهبردی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. هدف تمامی کشورها از تأمین منافع ملی را باید حداکثرسازی امنیت و بقا دانست. این درحالی است که حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی نیز بخشی از گستره‌ی منافع ملی محسوب می‌شوند.

بر اساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به شرح زیر مطرح نمود:

- حوزه‌ی اقتصادی: دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقا نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن اشتغال کامل؛
- حوزه‌ی امنیتی و دفاعی: خواستار کشوری امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛
- حوزه‌ی ایدئولوژیک: توسعه‌یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی و فعال و مؤثر بودن در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی^(ره)؛
- حوزه‌ی نظام بین‌الملل و جهانی: دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۲).

اهداف و نقاط هدف جمهوری اسلامی ایران

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس منافع ملی تعریف می‌شود. به‌طور کلی، با توجه به نیازهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران مندرج در منافع اهداف به‌عنوان هسته‌ی مرکزی سیاست خارجی عبارتند از:

- ۱) تأمین امنیت از طریق تغییر در نظم شبکه‌های محلی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و یا خوشه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آنها به‌منظور توازن‌سازی در معادله‌ی دفاع - تهاجم؛
- ۲) بهینه‌سازی کارکرد اقتصادی از طریق تغییر نظم شبکه‌ی ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران و بهینه‌سازی جریان ارتباطی آن و کاهش آسیب‌پذیری‌های ژئواکونومیک و بهره‌گیری از توان شبکه‌ی ژئواکونومیک در جهت جمعی کردن منافع واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی آن؛
- ۳) شکل بخشیدن به نظم ژئوکالچری در قالب طراحی شبکه‌ی ژئوکالچر نوین؛
- ۴) ایجاد پیوند بین شبکه‌های سه‌گانه و ترسیم چرخه‌ی مدیریت و رهبردی بر آن.

تهدیدات راهبردی جمهوری اسلامی ایران

ایران در طول تاریخ با تهدیدات و خطرات پی‌درپی مواجه بوده است که این تهدیدات ناشی از محیط راهبردی آن می‌باشد. نخستین نوع از تهدیدات راهبردی، تهدیداتی است که از سیستم جهانی و نوع مدیریت آن ناشی می‌شود. ایران به‌دلیل جایگاه خود همیشه تحت تاثیر ساختار سیستم بین‌الملل بوده و ساختار سیستم بین‌الملل در برهه‌هایی به سیاست خارجی کشورمان جهت داده است. به‌عنوان مثال، اقتضای فضای جنگ سرد و استقرار نظام دو قطبی بر جهان این بود که هر یک از کشورها با عضویت در بلوک‌بندی‌های شرق و غرب اهداف و منافع ملی خود را در چارچوب اتحاد و ائتلاف با شوروی و آمریکا پیگیری نمایند. سیاست نه شرقی و غربی جمهوری اسلامی ایران گامی در جهت مقابله با چنین فشارهایی بوده است، اما با فروپاشی شوروی و تغییر ساختار سیستم بین‌الملل، رویکرد یکجانبه‌گرایی آمریکا در قالب سیستم هژمونیک، فشارهای ساختاری را افزایش داد. بر این اساس، در فضای پس از جنگ

سرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره بر این مبنا بوده است تا از فشار روسیه و چین و سایر قدرت‌ها بر آمریکا استفاده کرده و مانع یکجانبه‌گرایی آن در نظام بین‌الملل شود. (صفوی همای، ۱۳۸۷: ۹۱-۹۰) تهدیدات ناشی از هژمون‌گرایی آمریکا در طیف متنوعی انجام می‌پذیرد که این امر زمینه را برای جدال‌های بیش‌تر آمریکا علیه ایران به‌وجود می‌آورد. به هر اندازه آمریکایی‌ها از توان هژمونیک بیش‌تری برخوردار باشند، به همان میزان مداخله‌گری آنها علیه کشورهای خاورمیانه از جمله ایران افزایش بیش‌تری پیدا خواهد کرد. مداخله‌ی نظامی، بحران‌سازی محیط منطقه‌ای، افزایش مداخله در امور داخلی ایران، فشارهای سازمان‌یافته از طریق نهادهای بین‌المللی، عملیات انتقامی و محدودسازی راهبردی (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۴) از آن جمله می‌باشد.

در بعد منطقه‌ای نیز شبکه‌ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با ناکارآمدی‌های مختلفی از جمله ناکارآمدی ساختاری مواجه می‌باشد. عدم توازن قدرت در درون شبکه، عدم انسجام، ناکارآمدی در سطح روابط و ساختار روابط بین واحدها از جمله نوع توزیع الگوی دوستی و دشمنی بین واحدهای شبکه، نامتقارن بودن روابط، مکمل نبودن روابط به‌ویژه در حوزه‌ی ژئواکونومیک، نبودن سیستم مدیریت جامع نظم و سیاستگذاری لازم، مداخله‌گرایی شدید قدرت‌های مداخله‌گر در شبکه‌ی منطقه و نیز رقابت راهبردی بین قدرت‌های تأثیرگذار بر شبکه‌ی منطقه‌ای و نوسانات شدید رفتاری بین آنها از جمله ناکارآمدی‌های تهدیدزا به‌شمار می‌آیند.

نقاط حساس در محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران

نقاط حساس و حیاتی یکی دیگر از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی چرخه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. نقاط حساس در زمره‌ی مناطق و یا نواحی هستند که بر قدرت مثبت (تهاجم) و قدرت منفی (دفاع) کشورها و از آن طریق معادله‌ی دفاع - تهاجم به‌عنوان زیربنای سیستم‌های راهبردی تأثیرگذار می‌باشند؛ بنابراین، مهم‌ترین نقاط حساس عبارتند از:

- نقاط حساس در شبکه‌ی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران از جمله رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از کانون‌های تهدید، حوزه‌ی شامات و خاورمیانه با بخش کانونی لبنان و سوریه، حوزه‌ی خلیج فارس به‌عنوان کانون پایگاه‌سازی مداخله‌گر و حوزه‌ی غرب آسیا و شبه‌قاره‌ی هند به‌عنوان مسیر توسعه و تکامل شبکه‌ی منطقه‌ای؛
- نقاط حساس ژئواکونومیک به‌ویژه خوشه‌های خلیج فارس، شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی و قفقاز و حوزه‌ی در حال ظهور شانگهای به‌دلیل توان ناشی از پیوند کارکردی مشترک؛
- نقاط حساس ژئوکالچری شامل واحدهای کانونی در جهان اسلام و برخی از واحدهای موجود در شبکه‌ی ژئوکالچری قومی جمهوری اسلامی ایران.

توانایی‌های راهبردی ایران

در سیستم پیچیده و نوین بین‌المللی، توانایی راهبردی کشورها دارای ابعاد سخت، نرم و هوشمند می‌باشد. در این میان، توانایی سخت در قالب توانایی نظامی می‌تواند هم‌چنان تاثیرگذار بوده و نقش اساسی را در تدوین راهبردهای کشورهای در بقا و امنیت بر عهده داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران با محیطی آکنده از رقابت، ناامنی با چالش‌ها و مسائل بزرگی مواجه است و برای رسیدن به آرمان‌های سند چشم‌انداز خود نیازمند تلاش‌های خردمندانه جهت دستیابی به سطح برتری از اقتدار ملی که اساسی‌ترین نقش را در صحنه‌ی رقابت‌ها و سیاست‌ها دارد. به این ترتیب، جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع و اعتلای ارزش‌های خود و اثرگذاری در معادلات جهانی به قدرت نظامی که از شاخه‌های دفاعی - امنیتی و از ابعاد اساسی اقتدار ملی می‌باشد، نیازمند است. (رشیدزاده، ۱۳۸۷؛ ۶) در این میان، جمهوری اسلامی ایران از توانایی‌های راهبردی سخت نظامی و توانایی‌های غیرنظامی برخوردار می‌باشد که مواد اولیه در طراحی سیستم‌های دفاع راهبردی از امنیت خواهد بود. در بعد نظامی ایران به‌عنوان یکی از قطب‌های تأثیرگذار بر نظم منطقه‌ای و الگوی مدیریت آن می‌باشد که برآورد برخی از منابع نیز چنین توانی را نشان می‌دهد. (Cordesman, 2012)

از سوی دیگر، تأثیر وزن ژئوپلیتیک به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی سیاست و مناسبات بین‌المللی و خارجی بر صلح و امنیت پایدار، اقتصاد، فرهنگ و روابط تجاری درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای و طراحی الگوهای نظم و سیستم‌های مرتبط از جمله سیستم دفاعی تأثیرگذار می‌باشد. در این میان، توان ژئوپلیتیک ایران ناشی از متغیرهای زیر می‌باشد:

(۱) موقعیت نسبی جغرافیایی ایران در سه منطقه‌ی حساس خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و داشتن نقش مؤثر در پیدایش تشکل‌های منطقه‌ای، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ (صفوی همامی، ۱۳۸۷: ۶۶) حاکمیت و تسلط بر نیمی از خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز و در اختیار داشتن حدود ۳۱ جزیره در دهانه‌ی تنگه‌ی هرمز و داخل خلیج فارس و نظارت بر عبور و مرور کشتی‌ها در داخل تنگه‌ی هرمز و خلیج فارس؛ (ملکوئیان، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۲۰۷)

- (۲) داشتن منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز و معادن متنوع فلزی و سنگ‌های تزئینی؛
- (۳) وجود تنوع اقلیمی که امکان کاشت محصولات متنوع کشاورزی را فراهم می‌آورد؛
- (۴) منابع آب شیرین در منطقه و منابع انرژی خورشیدی؛
- (۵) داشتن حوزه‌ی نفوذ فرهنگ ایرانی در پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی و حوزه‌ی نفوذ ایدئولوژیکی در کشورهای مسلمان؛
- (۶) قرار گرفتن در مسیر ارتباطی شمال - جنوب که آسیای مرکزی را به آب‌های آزاد دریای عمان وصل می‌کند و منطقه‌ی قفقاز را به خلیج فارس متصل می‌نماید. (صفوی همامی، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۶) ایران به‌دلیل واقع شدن بین دو منبع اصلی تأمین انرژی جهان (خلیج فارس و دریای خزر) از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. طبق این دیدگاه، عوامل مهم مربوط به منابع و موقعیت جغرافیایی ویژه‌ی ایران در جدول زیر آمده است:

جدول ۱ - توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های جمهوری اسلامی ایران

آسیب‌پذیری‌ها	توانایی‌ها	
<ul style="list-style-type: none"> - حساسیت ژئوپلیتیک بسیار زیاد در ساختار نظم جهانی، - مداخله‌گرایی شدید قدرت‌های خارجی در شبکه؛ - ناکارآمدی ساختاری درونی. 	<ul style="list-style-type: none"> - تسلط بر حوزه‌ی راهبردی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز؛ - پل ارتباطی بین اروپا، آسیا و آفریقا؛ - قرارگرفتن در کانون صحنه‌ی عملیات قدرت‌های جهانی در حال ظهور و قبلی؛ - تنوع در عناصر ژئوپلیتیک. 	ژئوپلیتیک
<ul style="list-style-type: none"> - وجود تحریم‌های اقتصادی گسترده؛ - وابستگی بسیار به درآمدهای نفتی؛ - عدم مکمل بودن کارکردهای اقتصادی اعضای موجود در شبکه 	<ul style="list-style-type: none"> - شاهراه ارتباطی برای گسترش مبادلات تجاری و ترانزیت کالا از غرب به شرق و بالعکس؛ - ذخایر عظیم نفت و گاز؛ - قرارگرفتن در مرکز هارتلند انرژی؛ - کوتاه‌ترین مسیر عبور خطوط لوله‌ی نفت و گاز آسیای مرکزی به بازار جهانی؛ و... 	ژئواکونومیک
فقدان انسجام درونی	<ul style="list-style-type: none"> - قدرت کانونی در جهان اسلام؛ - الهام‌بخشی مسلمانان و مرکزیت خیزش شیعه. 	ژئوکالچر

طریقین تشکیل‌دهنده‌ی سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران

سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران تنوعی از واحدها را در بر می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌ی سیاست خارجی، خود را با قدرت‌های مداخله‌گر و منطقه‌ای درگیر می‌بیند که کارگزار تهدیدات متعددی علیه آن به‌شمار می‌آید. در این میان، قدرت مداخله‌گر، کشوری جز آمریکا نبوده است. آمریکا در تلاش برای استقرار نظام تک‌قطبی

بر جهان و حفظ سلطه‌ی هژمونی خود بعد از فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی است و صحنه‌ی نبرد و قدرت‌نمایی خود را در منطقه‌ی خاورمیانه دیده است و بزرگ‌ترین مانع خود را در این جدال، ایران می‌داند. از سویی تلاش ایران برای نقش‌آفرینی در جهت دستیابی به جایگاه و شأن منطقه‌ای به‌منظور دسترسی به فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه از یک سو و تلاش آمریکا برای تثبیت هژمونی منطقه‌ای در جهت جلوگیری از نقش‌آفرینی ایران به‌عنوان مخالف نظم مورد نظر آمریکا از طرق گوناگون از سوی دیگر است.

رژیم صهیونستی دومین واحد در سیستم دفاع راهبردی ایران می‌باشد که در محیط امنیتی جدید خاورمیانه، اسرائیل محدوده‌ی راهبردی خود را افزایش داده است و در ارتباط با ایران اهداف بلندمدتی را در ابعاد مختلف در منطقه دنبال می‌کند، با این نیت که از گسترش دامنه‌ی نفوذ و تعمیق عمق راهبردی ایران در منطقه بکاهد. تصور ایران بر این است که رژیم صهیونستی ضمن وجود مصنوعی و نامشروع به جهت اشغال فلسطین، پایگاه آمریکا در حملات احتمالی علیه آن می‌باشد. هسته‌ای بودن رژیم صهیونستی و این‌که تنها کشور منطقه‌ی خاورمیانه است که به چنین سلاحی مجهز شده، بر شدت نیاز ایران برای مقابله با آن و ایجاد سیستم دفاع راهبردی در مقابل آن افزوده است.

متحدهای منطقه‌ای آمریکا سومین واحد در سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. چنین واحدهایی ممکن است متحد رسمی این کشور نباشند، اما امنیت آنها وابسته به سیستم امنیتی آمریکاست. در این میان، برخی از واحدها درگیر اختلافات متعددی با ایران از جمله اختلافات سرزمینی، ایدئولوژیکی و سیاسی هستند، مجموعه‌ی این عوامل، این کشورها را به‌عنوان یکی از نقاط هدف سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌نماید.

از سوی دیگر، برخی از خوشه‌ها و واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی آن به‌دلیل کارکرد در انواع سیستم‌های دفاعی به‌عنوان گستره‌ی سیستم دفاعی جمهوری اسلامی ایران اعمال نقش می‌نمایند. در همین راستا، برخی از خوشه‌ها به‌عنوان متحد قدرت یا واحدهای تهدیدکننده‌ی ایران مطرح می‌باشند که معمولاً در سیستم‌های بازدارندگی مثلثی به‌عنوان نقطه‌ی هدف

خواهند بود، یا برخی از حوزه‌ها به دلیل نقش کارکردی و پیوند و در قالب جمعی نمودن منافع مورد نظر می‌باشند که در محیط راهبردی به آنها پرداخته شد.

قواعد سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به معادله‌ی دفاع - تهاجم، در طراحی سیستم راهبردی، نوع دفاعی آن الویت دارد؛ در این راستا و بر پایه‌ی الزامات نظری، سه نوع راهبرد دفاعی را در اختیار خواهد داشت که عبارتند از:

- سیستم دفاعی متعارف؛ سیستم دفاعی متعارف ایران به چند دلیل دارای مزیت خواهد بود:

- عناصر موجود در معادله‌ی دفاع - تهاجم تشویق‌کننده‌ی دفاع است؛
- با وجود محیط خارجی ناآرام ایران، افزایش تنش در این محیط مطلوب ایران نیست؛
- ساخت جغرافیایی و نقشه‌ی ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای است که ایران را دفاع‌پذیر نموده و ایران می‌تواند به صورت مطلوب محیط امنیتی خود را حفظ نماید.

- سیستم دفاع غیرعامل: این سیستم در ایران به دنبال کاهش آسیب‌پذیری و افزایش زیرساخت‌های ملی و مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور در مقابل تهدیدات خارجی با تأکید بر ایجاد عزم ملی و باور عمومی جامعه از طریق فرهنگ‌سازی، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی راهبردی، افزایش آستانه‌ی تحمل ملی در برابر تهدیدات و افزایش هزینه‌ی تهاجم دشمن با قابلیت هدایت بخش‌های کشوری و لشکری در جهت رعایت اصول دفاع غیرعامل و نظارت بر اجرای آن می‌باشد؛

- سیستم دفاع راهبردی شبکه‌ای: جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاهی که در نقشه‌ی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری نظم منطقه‌ای و جهانی دارد، مزیت نسبی بسیار بالایی در طراحی سیستم دفاع راهبردی شبکه‌ای دارد. قرار گرفتن بین سه منطقه‌ی ژئوپلیتیکی مهم خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و جنوب غربی آسیا مزیتی است که کشورهای محدودی از آن برخوردارند. ایران در حال حاضر به دنبال پیوند سه حلقه با

یکدیگر از طریق کریدور شمال جنوب و خط لوله‌ی گاز می‌باشد، و در آینده از راهبردهای دیگری از قبیل پیوستن به رژیم‌های منطقه‌ای در حال تکامل مانند شانگهای یا ایجاد رژیم‌های جدید منطقه‌ای و تقویت رژیم‌های موجود گام برمی‌دارد.

گستره‌ی سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های محیط راهبردی خود با تنوعی از گستره‌های دفاعی روبرو می‌باشد. معادله‌ی دفاع - تهاجم پدیدآورنده‌ی چنین تنوعی است. از یک سو، برخی از گستره‌ها پدیدآورنده‌ی توان دفاعی می‌باشند؛ به عبارتی با تبدیل آنها به نقطه‌ی هدف، قدرت تهاجمی دشمن کاسته و یا خنثی می‌گردد. از سوی دیگر، برخی از نقاط برای خنثی‌سازی تهاجم دشمن ضروری است و بنابراین، توان تهاجمی را ضروری ساخته و یا تحریک‌کننده‌ی کشور برای دستور کار قراردادن آن می‌باشد، یا برخی از گستره‌ها به دلیل معادله‌ی قدرت و نقش و تناسب آن وارد چرخه‌ی طراحی سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌شوند.

بر اساس چنین معادلاتی مهم‌ترین گستره‌های سیستم دفاع راهبردی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱) خلیج فارس و آسیای مرکزی به دلیل:

- نفوذ و نقش‌یابی منطقه‌ای؛
- ایجاد محیطی امنیتی باثبات؛ نقش پیوندی ایران بین دو حلقه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز و هم‌چنین پرهیز از انزوا و مشارکت فعال در امور منطقه‌ای بر اهمیت چنین هدفی افزوده است؛
- رقابت راهبردی با ترکیه در منطقه؛ این رقابت ناشی از ارتباط ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد که منجر به رقابت‌های راهبردی می‌گردد؛
- مرکزیت رابطه با روسیه؛ روسیه به‌عنوان مهم‌ترین کشور منطقه و روابط ایران با آن با توجه به تخصصات بین ایران و آمریکا از محوریت خاصی در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران برخوردار گردیده است که باعث پایدارسازی حضور سیاسی در منطقه و هم‌چنین گسترش روابط تجاری و اقتصادی شده است، اما در این گستره‌ی ژئوپلیتیکی تعارضاتی بین بازیگران دخیل در این منطقه شکل گرفته که بر سیاست خارجی ایران تأثیرگذار بوده است، از جمله تعارض منافع ایران با ترکیه و روسیه جهت دستیابی به نقش قدرت منطقه‌ای، تعارضات ترکیه و روسیه در راستای گسترش محیط امنیتی غرب به رهبری آمریکا توسط ترکیه، و تعارض آمریکا با روسیه در منطقه. در این میان، جمهوری اسلامی ایران جهت مشارکت در نظم منطقه‌ای سیستم هژمونی همکاری منطقه‌ای روسیه را با بهره‌گیری از ابزارهایی چون ایجاد و توسعه‌ی سازمان‌های منطقه‌ای و ایجاد حلقه‌ی پیوندی بین سیستم آسیای مرکزی و قفقاز و سیستم‌های منطقه‌ای خلیج فارس در شبکه‌ی ژئوپلیتیکی خود و هم‌چنین ایفای نقش خود به‌عنوان یک حلقه‌ی پیوندی تمدن ایرانی و اسلامی پذیرفته است. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۴۳۷-۴۳۳) در حوزه‌ی جنوبی، جمهوری اسلامی ایران با گستره‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس مواجه است. خلیج فارس از جمله مناطقی است که از اهمیت زیادی در سیاست بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران برخوردار می‌باشد. این گستره از شبکه‌ی راهبردی جمهوری اسلامی ایران دارای خصلت‌ها و ویژگی‌های است که سازه و منطق خاصی را برای بازدارندگی این کشور ضروری می‌نماید. این گستره تجلی‌گاه تهدیدهای راهبردی علیه ایران بوده و از سوی دیگر، در درون خود دارای عناصری است که می‌تواند عاملی بازدارنده در برابر تهدیدها محسوب گردد. این منطقه دارای ویژگی‌هایی چون:

- توانایی تولید و عرضه‌ی منابع مورد نیاز نظام جهانی و قطب تولید انرژی جهان؛
- کارکرد ارتباطی پیوندی خلیج فارس با سایر حلقه‌های موجود در سازه‌ی فیزیکی نظام جهانی؛

○ عناصر ژئوپلیتیک خلیج فارس به‌عنوان ایفاکننده‌ی نقش تهدید و فرصت راهبردی در نظام بازدارندگی؛

○ قرار گرفتن متحدان راهبردی قدرت مداخله‌گر آمریکا در منطقه و آسیب‌پذیری شدید آنها در برابر تهدیدهای راهبردی قدرت‌های مداخله‌گر؛ (قاسمی، ماله‌میر، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۲) موقعیت ویژه‌ی خلیج فارس از نظر دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز و همچنین موقعیت راهبردی و اهمیت آن به‌عنوان یک بازار مطلوب اقتصادی، تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه که متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه توجه جهان را به شدت به این منطقه معطوف داشته است و اهمیت خاصی برای ایران برخوردار است. آمریکا به‌عنوان قدرت مداخله‌گر اصلی در این گستره ایفای نقش می‌کند که مقابله با سیستم کنترلی طراحی شده توسط آمریکا به‌عنوان هژمون سیستم بین‌المللی در دستورکار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، تا در این گستره با توجه به حضور آمریکا در منطقه و هسته‌ای بودن رژیم صهیونیستی، به‌دلیل رابطه‌ی خصومتی هر دو با ایران عملاً منطقه‌ی خلیج فارس را به درون حوزه‌ی بازدارندگی ایران وارد می‌سازد.

(۱) حوزه‌ی شبه‌قاره‌ی هند و غرب آسیا به‌دلیل نقش کارکردی در شکل‌گیری شبکه‌ی ژئواکونومیک منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تحقق هدف راهبردی جمعی کردن منافع و افزایش ثبات در شبکه‌ی جامع؛

(۲) حوزه‌ی نوظهور شانگهای به‌دلیل اعمال و تداخل نقش با شبکه‌ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛

(۳) حوزه‌ی شامات و شمال آفریقا به‌دلیل وجود قدرت تهدیدکننده‌ی شبکه‌ی ژئوکالچری و ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران و وجود قدرت‌های بزرگ شبکه‌ی ژئوکالچری جهان اسلام و ضرورت هماهنگ‌سازی و انسجام‌بخشی به این شبکه.

مفهوم‌سازی و استنتاج نظری

با تحول سیستم بین‌الملل به سمت ارتباط محوری، سیستم مدیریت نظم جهانی و منطقه‌ای نیز از حالت ساده‌ی خود خارج شده است و به سمت سیستم‌های مدیریتی شبکه‌ای سیر نموده است. از منظر شبکه و جایگاه آن در باز تعریف سیستم دفاعی باید گفت که معادله‌ی دفاع - تهاجم به‌عنوان اساس سیستم دفاع راهبردی به شدت تحت تأثیر شبکه و ویژگی‌های آن می‌باشد. شبکه بر اساس عنصر ارتباطات به‌عنوان پویایی اصلی در شکل‌بخشی به سیاست بین‌الملل، این معادله را چهره‌ای دیگر می‌بخشد. در این جا، قدرت و تهدید که در گذشته به‌عنوان قدرت سخت - تهدید نظامی تعریف می‌شد، به قدرت هوشمند - تهدید نرم تغییر یافته است. قدرت هوشمند بر اساس واپایش فرآیند ارتباطی موجود در نظام، بنیان نهاده شده است. به همین دلیل، با مدیریت هوشمند ارتباطات درون شبکه و یا شبکه‌ی منطقه‌ای با شبکه‌ی جهانی می‌توان ضمن دستیابی به توان واپایشی، تهدیدهای هوشمندی را در برابر رقیب راهبردی ایجاد کرد که در نتیجه‌ی آن، شکل‌گیری سیستم دفاع راهبردی شبکه‌ای اتفاق می‌افتد.

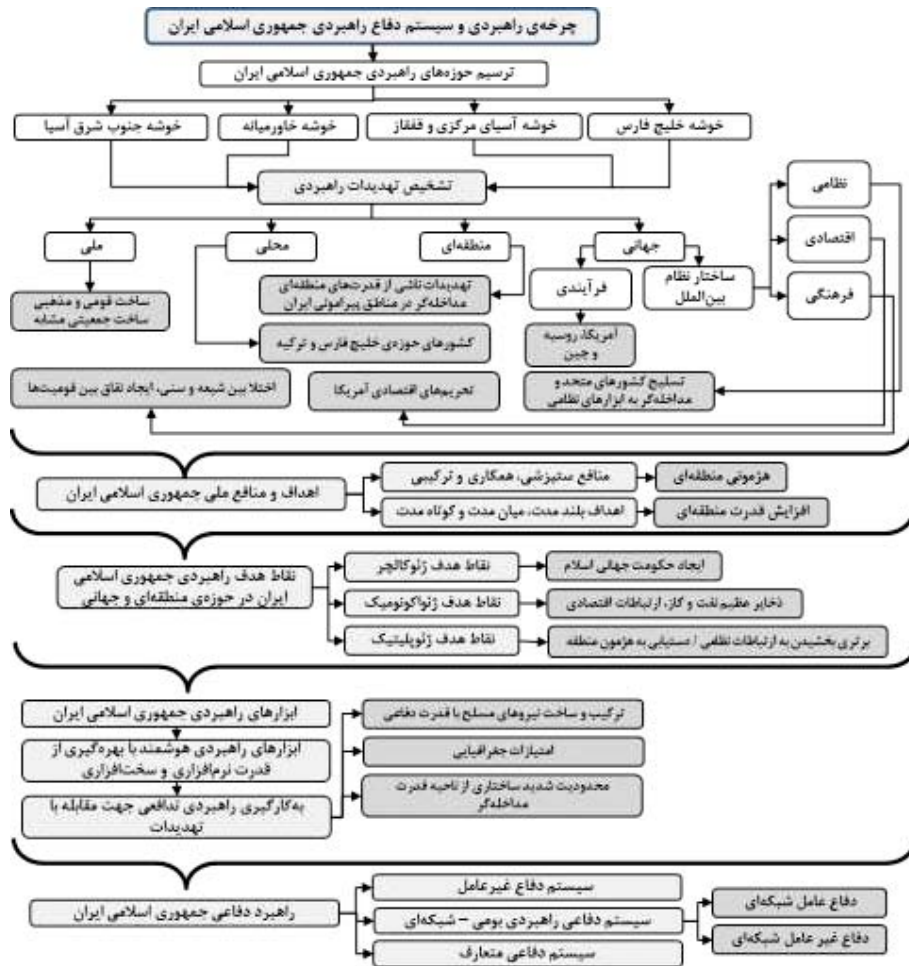
سیستم دفاع راهبردی بومی شبکه‌ای به این معناست که سیستمی بر اساس توانایی‌ها و قابلیت‌های ارتباط‌بخشی و مدیریت ارتباطات توسط کشور و از طریق توانایی‌های بالقوه‌ی موجود و محیط پیرامونی آن ایجاد شود. در اجرای سیستم دفاع راهبردی شبکه‌ای بومی قدرت اقتصادی و نظامی و سیاسی دولت نقش مهمی دارد. در متغیرهای ژئوپلیتیک توانمندی‌های جغرافیایی و سرزمینی کشورها مهم است. در متغیرهای ژئواکونومیک می‌توان منابع طبیعی ثروت و قدرت اقتصادی کشورها و در متغیرهای ژئوکالچری توانمندی‌های فرهنگی دین، زبان، فرهنگ و تمدن هر کشور دارای نقش به‌سزایی است. جمهوری اسلامی ایران کشوری است منطقه‌ای و با توانمندی‌های بین‌المللی که می‌تواند در سطح جهانی قدرتی تأثیرگذار بوده و نسبت به سایر کشورهای منطقه به لحاظ ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک از موقعیت برتری برخوردار باشد که بیش‌ترین مزیت‌های نسبی را به لحاظ این سه عنصر ساختاری در اختیار دارد، و با بهره‌گیری از توانمندی‌های ژئوپلیتیک و نظامی در

حوزه‌های راهبردی منطقه‌ای و جهانی چرخه‌ی راهبردی متعارفی را شکل می‌دهد که در این چرخه جمهوری اسلامی ایران از سه بعد ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه‌ی نفوذ آمریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. از نظر ژئواکونومیک، شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی از ایران یا نزدیکی آن می‌گذرد؛ بر این اساس، ایران با در اختیار داشتن بخش قابل توجهی از انرژی جهان، تسلط ژئوپلیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه‌ی خلیج فارس و جایگاه مهم در اوپک و نهایتاً نقش بالقوه‌ی ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به‌عنوان سوخت سیاست در جهان برجستگی خاصی دارد. از نظر ژئوکالچر نیز ایران توانسته در گسترش اسلام و زبان فارسی در بخش‌های وسیعی از آسیا تأثیرگذار باشد. پس از انقلاب اسلامی نیز توانسته الگوی را برای بسیاری از حرکت‌های اسلامی از غرب آفریقا تا خاورمیانه و آسیای مرکزی ارائه نماید که با توجه به مزیت‌های فوق جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قدرت‌های فرمانطقه‌ای و منطقه‌ای قرار گرفته است و شاهد تهدیدات راهبردی از ناحیه‌ی این قدرت‌های مداخله‌گر می‌باشد. در راستای این تهدیدات، جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی و منطقه‌ای نقاط هدفی را دنبال می‌کند که جهت تحقق این اهداف بهره‌مندی از قدرت هوشمند ضروری است که این ابزار متشکل از ابزارهای سخت و نرم می‌باشند. ابزارهای سخت شامل توانمندی‌های نظامی نیروی زمینی، دریایی و هوایی و هم‌چنین توانمندی‌های موشکی ایران می‌باشد، و ابزارهای نرم شامل بهره‌گیری از توانمندی‌های قدرت نرم خواهد بود.

شبکه‌ای که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان شبکه‌ی راهبردی در طراحی دفاع راهبردی شبکه‌ای خود تعریف می‌نماید، از خرده شبکه‌های خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، شانگهای، جنوب غربی آسیا و سایر بخش‌های تبیین شده تشکیل شده است که ویژگی‌های این ابرشبکه عبارتند از:

- برخوردار از ویژگی‌های ژئواکونومیک (خرده شبکه‌ی خلیج فارس)، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه‌ای و جهانی با توجه به جایگاه آن در نقشه‌ی ژئوپلیتیکی و سامانه‌ی شبکه‌ای منطقه‌ی خود؛

- جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حلقه‌ی ارتباطی بین سه منطقه‌ی ژئوپلیتیکی مهم خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و جنوب غرب آسیا ایفای نقش می‌نماید؛
 - وجود قدرت‌های بزرگ سیستم و رقبای بالقوه‌ی آمریکا در چرخه‌ی جهانی قدرت مانند روسیه، چین و هند؛
 - وجود پیوندهای تاریخی، قومی و دینی جمهوری اسلامی ایران با بسیاری از حلقه‌های سیستم شبکه‌ای به‌ویژه آسیای مرکزی و قفقاز؛
 - وجود جنبش‌های ضد سیستمی در این سامانه در برابر قدرت مداخله‌گر آمریکا؛
- از سوی دیگر، کنترل فرآیند ارتباطات در این شبکه از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کارگزار سیستم دفاع راهبردی بومی شبکه‌ای در راستای شبکه‌سازی و شکل دادن به یک ابرشبکه‌ی دفاعی با الزامات زیر روبرو می‌باشد:
- ۱) ترسیم گستره‌ی سیستم دفاع راهبردی در منطقه و انتخاب سامانه‌های موشکی بر اساس آن با توجه به اهمیت دفاع راهبردی در نظریه‌ی بازدارندگی؛
 - ۲) ایجاد سیستم دفاع راهبردی هوشمند بر پایه‌ی ایجاد پیوند بازخوانی بین مناطق موجود در گستره‌ی شبکه‌ی خود و قدرت مداخله‌گر؛
 - ۳) پیوندبخشی بین خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز و شبه‌قاره‌ی هند با بهره‌گیری از حوزه‌های اقتصادی و ارتباطی؛
 - ۴) راهبرد درگیرسازی واحدهای بیش‌تر در امور مربوط به سیستم دفاع راهبردی شبکه‌ای در برابر قدرت مداخله‌گر از طریق شبکه‌سازی نرم ژئوکالچر و ژئواکونومیک با ادغام خلیج فارس در درون حلقه‌های ابرشبکه‌ی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛
 - ۵) ترسیم حوزه‌های قدرت سخت، نرم و هوشمند سیستم دفاع راهبردی شبکه‌ای از طریق انتخاب متحدان راهبردی مداخله‌گر به‌عنوان نقطه‌ی هدف و در صورت لزوم معتبرسازی تهدیدات.



شکل ۲ - چرخه‌ی راهبردی و سیستم دفاعی جمهوری اسلامی ایران

منابع

فارسی

- ۱- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل؛ (۱۳۸۰) «مسائل نظامی و راهبردی معاصر»، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- تقوی‌اصل، سیدعطا؛ (۱۳۷۹) «ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۳- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ (۱۳۸۸) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- رشیدزاده، فتح‌الله؛ «توسعه و تحکیم قدرت و اقتدار نظامی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی مدیریت نظامی، شماره‌ی ۳۳، ص. ۱-۶۸، ۱۳۸۷.
- ۵- ساعد، نادر؛ (۱۳۸۹) «تحریم‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران در قطعه‌نامه‌های شورای امنیت: مباحثات و کالبدشکافی در رهیافت انتقادی»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره‌ی ۲۹.
- ۶- سریع‌العلم، محمود؛ (۱۳۷۹) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بازبینی نظری و انتطاف»، تهران، نشر مرکز تحقیقات راهبردی.
- ۷- «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۸- سیف‌زاده، حسین؛ «منافع ملی در سیاستگذاری خارجی ایران»، مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱ و ۱۲، ص. ۷۵-۱۳۹۰، ۸۰.
- ۹- سیف‌زاده، حسین؛ (۱۳۸۴) «سیاست خارجی ایران، رهیافتی نظری- رویکردی عملی»، تهران، نشر قومس.
- ۱۰- صفوی همای، سیدحمزه؛ (۱۳۸۷) «کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- ۱۱- عسگرخانی، ابومحمد؛ «سیری در نظریه‌ی بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای»، سیاست دفاعی، سال هفتم، شماره‌ی اول، ص. ۴۹-۱۳۷۷، ۱۹.
- ۱۲- قاسمی، فرهاد؛ (۱۳۸۴) «ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی»، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال اول، شماره‌ی ۲، ص. ۶۸-۱۰۱، ۱۳۸۴.

- ۱۳- قاسمی، فرهاد؛ (۱۳۸۷) «نظام بین‌الملل نوین و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی خاورمیانه، سال پانزدهم، شماره‌ی ۳ و ۴، ص. ۱۳-۱۳۸۷، ۹۳.
- ۱۴- قاسمی، فرهاد؛ «الزامات تنوریک بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال اول، شماره‌ی ۳، پاییز؛ ص. ۵۵-۸۳، ۱۳۸۸.
- ۱۵- قاسم، فرهاد؛ (۱۳۹۰) «پیامدهای منطقه‌ای شدن و گسترش سامانه‌های موشکی راهبردی بر بازدارندگی در نظم جهانی نوین»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره‌ی ۳۴، ص. ۱۸۱-۲۱۲، ۱۳۹۰.
- ۱۶- قاسمی، فرهاد؛ (۱۳۹۱) «بنیان‌های نظری موازنه‌ی قوای هوشمند در شبکه‌های فاقد معیار منطقه‌ای: گامی به سوی ارائه‌ی نظریه‌ی نوین موازنه‌ی قوای منطقه‌ای»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره‌ی اول، بهار؛ ص. ۱۷۲-۲۱۳، ۱۳۹۱.
- ۱۷- قاسمی، فرهاد و ماله‌میر، احمد؛ «تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره‌ی ۴۰، ۱۳۹۱.
- ۱۸- کریمی، جهانگیر؛ (۱۳۸۴) «محیط امنیتی خاورمیانه و سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی سیاست دفاعی، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره‌ی ۵۳-۵۲؛ ص. ۲۹-۸۵، ۱۳۸۴.
- ۱۹- متقی، ابراهیم و پوستین‌چی، زهره؛ (۱۳۹۰) «الگوها و روندها در سیاست خارجی ایران»، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- ۲۰- محمدی، منوچهر؛ (۱۳۸۶) «آینده‌ی نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۱- ملکوتیان، مصطفی؛ (۱۳۸۳) «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت راهبردی ایران»، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره‌ی ۶۳، ص. ۲۰۳-۲۲۲، ۱۳۸۳.
- ۲۲- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ (۱۳۸۶) «تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم»، تهران، انتشارات امیرکبیر.

انگلیسی

- 23- Krasner, Stephen D. (1985) 'Toward Understanding in International Relations', *International Studies Quarterly* 29(1): 137-44.
- 24- Kratochwil, Friedrich (1993) 'The Embarrassment of Changes: Neo-realism and the Science of *Realpolitik* Without Politics', *Review of International Studies* 19(1):63-80.
- 25- Schweller, Randall L. (1997) 'New Realist Research on Alliances: Refining, Not Refuting, Waltz's Balancing Position', *American Political Science Review* 91(4):927-30.
- 26- Spegele, Roger D. (1996) *Political Realism in International Theory*. Cambridge:Cambridge University Press.

- 27- Vasquez, John A. (1997) 'The Realist Paradigm and Degenerative Versus Progressive Research Programs: An Appraisal of Neotraditional Research on Waltz's Balancing Proposition', *American Political Science Review* 91(4): 899-912.
- 28- Vasquez, John A. (1998) *The Power of Power Politics: From Classical Realism to Neotraditionalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 29- Walker, R.B.J. (1987) 'Realism, Change and International Political Theory', *International Studies Quarterly* 31(1): 65-86.
- 30- Walker, R.B.J. (1989) 'History and Structure in the Theory of International Relations', *Millennium: Journal of International Studies* 18(2): 163-83